



نقد و بررسی ادله رشید رضا در ممنوعیت ترجمه قرآن

پدیدآورده (ها) : رفیعی، ناصر

ادیان، مذاهب و عرفان :: معرفت :: آذر 1380 - شماره 48

از 74 تا 85

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/12509>

دانلود شده توسط : مهدی سلیمانی

تاریخ دانلود : 30/08/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ممنوعیت ادله نقد بر سر سلسله نقد بر سر سلسله نقد بر سر سلسله

نقد و بررسی ادله رشید زاهد ممنوعیت ترجمه قرآن

در مورد ریشه کلمه «ترجمه» نظرات متفاوتی از سوی دانشمندان اهل لغت ارائه شده است. این که ریشه این کلمه عربی است یا غیر عربی، ثلاثی مجرد است یا رباعی، محل خلاف است. برخی اقوال در این باره عبارتند از:

۱. «ترجمه» از «ترجم» رباعی مجرد است. (۱)

۲. از «رجم» عربی، ثلاثی مجرد به معنای سخن گفتن از روی گمان و حدس است. (۲) ظاهراً ربطی بین این دو نیست، اگرچه در کتب لغت، آن‌ها را کنار هم می‌آورند. «رجم» یعنی سنگ انداختن و علامت‌گذاری با سنگ، در واقع، یعنی کشف و روشن نمودن. شاید به این مناسبت که ترجمه هم نوعی کشف معناست، این دو را کنار هم آورده‌اند.

۳. مشتق از «ترجمان» بر وزن نردبان است. (۳)

۴. مشتق از Targmono آرامی است. (۴)

۵. مشتق از «ترزبان» و «ترزقان» است. در برهان قاطع، «ترزبان» و «ترزقان» و «ترجمان» هم معنی دانسته شده است. (۵)

ترجمه به چهار معنا آمده که معنای چهارم مدنظر است:

۱. تبلیغ کلام و شرح الفاظ و رساندن آن به کسی که آن را نشنیده است:

۲. تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی؛ طبری این معنا را ذکر کرده است. (۶) بر همین اساس، به ائمه بزرگوار دین، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام «ترجمان قرآن» گفته می‌شود؛ یعنی آن‌ها مفسر و شارح کتاب الهی هستند. در زیارت‌نامه حضرت قائم (عج) می‌خوانیم: «السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه» (۷)

۳. تفسیر و شرح سخن به غیر از زبان اصلی، (۸)

ممنوعیت ادله نقد بر سر سلسله نقد بر سر سلسله نقد بر سر سلسله

حکم والو تکون
بهم نامک بالیل
کتاب الله

۴. انتقال پیامی از یک زبان (زبان مبدأ) به زبانی دیگر (زبان مقصد)؛ هدف از این ترجمه آشنا شدن اهل یک لغت و زبان با پیام و معارفی است که در لغت و زبان دیگر (مبدأ) مطرح است. معنای مشهور ترجمه نزد عرف همین معناست که همان ترجمه لفظی مورد بحث است.

۵. بیان سیرت و اخلاق و نسبت اشخاص؛ کتب تراجم کتبی است که شرح حال بزرگان در آن‌ها آمده است.

۶. دیباچه کتاب که به آن «ترجمه الکتاب» گفته می‌شود.

واژه «ترجمان» در روایات و اخبار

واژه «ترجمان» و جمع آن «ترجمه» در برخی روایات و احادیث ما به کار رفته است. اینک نمونه‌هایی از این کاربرد:

۱. قال علی علیه السلام: «هذا القرآن إنما هو خط مسطور بین الدفتین لا ينطق بلسان ولا بد له من ترجمان»^(۹) این قرآن نوشته‌ای است که بین دو جلد قرار دارد و به زبان سخن نمی‌گوید و ترجمان و مفسری لازم دارد.

۲. عن سدير، عن ابي جعفر عليه السلام: قال قلت له: جعلت فداك ما اَنتُم؟ قال: نحن خزائن علم اللّٰه و نحن ترجمه وحي اللّٰه»^(۱۰) سدير می‌گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: فدای شما گردم! شما چه سمتی دارید؟ فرمود: ما خزانه‌دار علم خدا و مترجم وحی هستیم.

۳. قال علی عليه السلام: «رسولک ترجمان عقلک و کتابک ابلاغ ما ينطق عنک»^(۱۱) فرستاده تو ترجمان خود توست و نامه‌ات رساترین فرستاده‌ای است که از سوی تو سخن می‌گوید.

فوائد ترجمه قرآن

بدون تردید، فواید بسیاری بر ترجمه قرآن کریم برای غیرعرب زبانان مترتب است.

به عنوان نمونه:

- همگان می‌توانند کلام خدا را بفهمند و بر ایمان و اعتقادشان افزوده شود.
- حجت خدا بر همه روشن می‌گردد و افراد بیش‌تری از هدایت قرآنی برخوردار می‌شوند.
- تعالیم الهی گسترش می‌یابد و

مقتضای تدبیر و تعمق در آیات الهی فراهم می‌شود.

۴. شبهات معاندان بر اثر انتشار ترجمه جواب داده شده، معارف اسلامی میدان ظهور بیش‌تری می‌یابند.

۵. با ترجمه قرآن، عامه مردم، که زبان عربی نمی‌دانند، بهتر می‌توانند به دستورات قرآن عمل کنند.

شروط ترجمه قرآن کریم

در ترجمه قرآن، مانند هر ترجمه دیگری، باید نکاتی رعایت شود:

۱. مترجم به زبان خود و زبان عربی تسلط کامل داشته باشد.

۲. مترجم باید انس با قرآن داشته باشد این خود یک پیش شرط است؛ زیرا چنان‌که مفسران قدیم و جدید گفته‌اند:

یک معنای آیه معروف «لَا يَمِشُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع: ۷۹) این است که جز کسانی که طهارت قلبی - یعنی توحید و ایمان دارند - کسی حقایق و معانی اصلی و بطون آیات قرآنی را درک و دریافت نمی‌کند.^(۱۲)

۳. مترجم باید دقیق، رموز و شیوه‌ها و ویژگی‌های هر دو زبان را به خوبی بشناسد.

۴. ترجمه را چنان‌نیکو و روان کند که مستقل و مستغنی از متن باشد.

۵. مترجم آشنا با لغت، نحو، صرف، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، قرائات، اصول دین، اسباب نزول و وجوه اعجاز قرآنی باشد.

۶. مترجم باید احتیاط علمی داشته باشد بهترین شیوه احتیاط، کثرت مراجعه است.

مترجم قرآن کریم باید حرفه‌ای، مجرب و کارآزموده باشد، نه این‌که اولین کارش ترجمه قرآن باشد، باید به متون و منابع ذی‌ربط فراوان مراجعه کند. اگر مترجمی پیش از ترجمه به چندین و چند فرهنگ عمومی و خاص قرآن، برای هر کلمه قرآنی اولین معادلی که در ذهن دارد، بگذارد از احتیاط علمی عدول کرده است.

نخستین مترجمان قرآن کریم

گفته شده که اولین مترجم قرآن کریم سلمان فارسی رضی الله عنه است؛ نقل شده است که اهل فارس نامه‌ای به سلمان نوشتند تا او ترجمه سوره «فاتحه» را برای آنان بنویسد پس او نوشت: «به نام پروردان بخشاینده». آن‌ها در نماز

می‌خواندند تا این‌که زبانشان به عربی عادت کرد. سلمان این نوشته را بر رسول خدا عرضه کرد.^(۱۳)

این‌مطلب را صاحب‌روح المعانی نیز ذکر کرده است:^(۱۴) البته اثری از این ترجمه در دست نیست و از بین رفته است.

همچنین ترجمه طبری در زمان امرای سامانی به فرمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی شروع گردید (سال ۳۵۲ هـ) این کتاب از جمله آثار مشهور دوره سامانی است که از

عربی به فارسی ترجمه گردیده است. در مقدمه کتاب، علت ترجمه ذکر شده است. البته لغات

فارسی غریب در آن فراوان به کار رفته و در مقدمه آمده است: «این کتاب را بی‌آوردند از

بغداد؛ چهل مصحف بوده نبشته به زبان تازی و به استادهای دراز بود. بی‌آوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر ابن احمد

بن اسماعیل - رحمه الله عليهم اجمعين - پس دشخوار آمد بر وی خواندن کتاب و عبارت

کردن به زبان تازی و چنان خواست که مر این را ترجمه کند به زبان پارسی. پس علماء ماورالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد:

کسی روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی

نداند از قول خدای عزوجل که گفت: «ما أرسلنا

سین رسول إلا بلسان قومیه» گفت: هیچ پیامبری را نفرستادم، مگر به زبان قوم او و آن

زبان که ایشان دانستند»^(۱۵)

ضرورت ترجمه قرآن کریم

بیش از پرداختن به ادله منع از سوی رشیدرضا در تفسیر المنار، مواردی به عنوان مؤید برای ضرورت ترجمه قرآن کریم ذکر می‌گردد. با توجه به این‌که قرآن کریم معجزه جاویدان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، آن هم اعجازی که از همان آغاز به آن تحدی شده و این تحدی در

تمام زمان‌ها و مکان‌ها ادامه دارد، بین متفکران اسلامی این بحث وجود داشته که آیا

ترجمه قرآن کریم جایز است یا خیر. هرچند در طول تاریخ، مخالفانی برای این کار وجود

داشته، اما این مخالفت‌ها به هیچ وجه مانع از ترجمه نشده است. از آن‌جا که بیش‌تر مردم با

زبان عربی آشنا نیستند، بالضروره برای تبلیغ کلام الهی، باید آن را ترجمه کرد. روشن است

که ضرورت این امر نیاز به دلیل ندارد، اما برای روشن شدن این موضوع دلایلی ذکر می‌گردد مبنی بر این که ترجمه قرآن نه تنها جایز، بلکه واجب است:

۱. جهانی و جاودانی بودن دعوت رسول خدا ﷺ

مطالعه تاریخ ادیان آسمانی نشان می‌دهد سنت الهی بر این بوده که هر پیامبری را به زبان آتش میبوت کند تا تبلیغ و ترویج دین خدا کامل گردد. قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ» (ابراهیم: ۴)؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قوم خودش. با توجه به شرایط بعثت رسول خدا ﷺ، زبان قرآن نیز همان زبان پیامبر ﷺ - یعنی عربی - قرار داده شد.

همین مسأله به پیامبر گرامی، حضرت محمد ﷺ این امکان را داد که رسالت خود را کامل تر انجام دهد. آیات فراوانی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارد که کلام نزول بر رسول خدا عربی بوده است؛ مانند:

- «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یسرئ: ۲)؛ همانا این قرآن را به عربی فرستادیم تا شما اندیشه نمایید.

- «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوْجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (فصلت: ۴۴)؛ این کتاب قرآن عربی (فصح) بدون حکم ناصواب است که مردم تقوا پیشه نمایند.

- «كَتَابٌ فَضَّلْتُ آيَاتَهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (زمر: ۲۷)؛ این کتابی است که آیات آن تبیین شده؛ قرآنی عربی برای افرادی که بدانند. بیش از ۱۰ آیه از قرآن کریم بر عربی بودن این کتاب الهی تأکید دارند.

مراعی ذیل آیه ۴ سوره ابراهیم می‌گوید: «یعنی ما هیچ رسولی را بر امت‌های قبل از تو نفرستادیم، مگر به زبان قوم خودش، تا آنچه به سوی آن‌ها فرستاده می‌شود بفهمند و حجت بر آن‌ها قطعی شده و جلوی عذر و بهانه گرفته شود این کتاب هم به زبان عربی نازل شده تا عذر عدم فهم آن برداشته شود و هیچ مانعی برای فراگیری آن وجود نداشته باشد تا تمام احکام آن را بفهمند و در زندگی دنیا و آخرتشان سعادتمند باشند» (۱۶)

از سوی دیگر، آیاتی در قرآن کریم است که دلالت بر عمومیت دعوت پیامبر می‌کنند؛

مانند:

- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۲)؛ و تو را نفرستادیم، مگر به عنوان رحمت برای همه جهانیان.

- «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۲)؛ بزرگواری آن خداوندی راست که قرآن را بر بنده‌اش فرو فرستاده تا برای همه جهانیان بیم‌دهنده باشد.

- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ: ۲۸)؛ تو را نفرستادیم، مگر برای همه مردم. از رسول خدا ﷺ روایت شده که آن



حضرت فرمودند: «من برای تمام مردم، اعم از سرخ و سیاه فرستاده شده‌ام.» (۱۷)

اکنون جای این سؤال وجود دارد که با توجه به این که قرآن کریم به زبان عربی نازل شده که قوانین آن عمومی و جهانی است و هدایت عالمیان را به عهده گرفته، برای ابلاغ این دین جاویدان به انسان‌هایی که با زبان عربی آشنایی ندارند، چه باید کرد. برای این منظور، دو کار باید کرد:

۱. حکم به وجوب فراگیری زبان عربی که متصور و ممکن نیست؛
۲. ترجمه کلام خداوند سبحان به سایر زبان‌ها.

اما با توجه به این که اولاً، فراگیری زبان

عربی برای همه ممکن نیست، ثانیاً عاتمة مردم فرصت خواندن تفاسیر طولانی را ندارند و ثالثاً تعلیم کلام الهی برای همه ضروری است، ترجمه قرآن کریم تنها راه است. اگرچه ترجمه نمی‌تواند برگردان همه ویژگی‌های کلام وحی باشد اما جنبه‌های معنوی و هدایتی قرآن در صورتی که شرایط ترجمه رعایت شود، قابل برگردان به زبان‌های دیگر است.

«زبان یک وسیله است و آن چیزی که هدف است، معانی است که در قالب آن الفاظ رفته. این‌که معانی مانند زبان اختصاصی نوع خاصی جدای از دیگر انواع داشته باشد، یک امر محال و غیرممکن است؛ زیرا همه مردم به ارزش‌های انسانی باور دارند. خلاصه این‌که زبان‌ها به مقدار انواع انسانی تعدد پیدا می‌کند، ولی معانی بین همه رایج است.» (۱۸)

رشیدالدین میبدی در تفسیر آیه ۴ سوره ابراهیم گفته است: «این آیه دلیل است بر این که قرآن به زبان عربی نازل شده است؛ زیرا پیامبر عرب بوده است و اهل خطاب در آن وقت، همه عرب‌ها بوده‌اند و چون مخاطبین آن غیر عرب نبودند به زبان آن‌ها نازل شد، لیکن چون پیامبر به حکم آیه "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ" مأمور به تبلیغ اسلام به همه مردم جهان بود پس خطاب تبلیغ هر قومی به زبان آن قوم جایز می‌باشد.» (۱۹)

قرطبی ذیل همین آیه می‌نویسد: «در این آیه، حجیت بر عجم و غیر عجم نیست، مگر این‌که آنچه بر پیامبر اکرم نازل شده، ترجمه شود» (۲۰) صاحب تفسیر روح البیان می‌نویسد: «قرآن برای همه مردم، بلکه تمام جن و انس نازل شده است و اگر خداوند متعال آن را به تمام زبان‌ها یا آن همه اختلافاتی که در میان آن‌ها وجود دارد نازل می‌کرد، اعجاز آن از بین می‌رفت و منجر به درگیری و اختلاف کلمه می‌شد و دست تحریف به درون آن راه یافته و اجتهاد در تعلیم الفاظ و معانی که در پی آن می‌آید، به وجود می‌آمد، هر چند می‌دانیم پیامبر اشرف مخلوقات و امتش بهترین امت و زبانش بهترین زبان است. در این میان، تنها چیزی که به دعوت عمومی پیامبر جامه عمل می‌پوشاند ترجمه آن به زبان‌های دیگر است.»

۲. سیرة عقلا و متفکران

روش و طریقه‌ای که عقلای وارسته با بینش و

فکر صحیح در زندگی و شؤون گوناگون حیات انسانی از آن پیروی می‌کنند تا آن‌جا که نهی و منعی از ناحیه شارع مقدس در آن نرسیده باشد، می‌تواند مورد پیروی باشد و حجت و دلیل محسوب شود. در مورد قرآن کریم، سیره عملی و تجربه تاریخی نشان دهنده این است که ترجمه قرآن کریم امری ضروری بوده و ممنوع اعلام نگردیده است. بنابراین، متفکران و اندیشمندان اسلامی از همان آغاز اسلام، از ترجمه قرآن به عنوان وسیله‌ای برای بیان فرهنگ و معارف قرآنی به زبان‌های گوناگون استفاده می‌کرده‌اند و امروز کم‌تر زبان زنده‌ای یافت می‌شود که قرآن کریم به آن ترجمه نشده باشد.

نتیجه آن‌که ترجمه قرآن کریم کاری است روشن و بدیهی که عقلاً به آن عمل نموده‌اند.

۳. سیره علماء و اندیشمندان

اسلامی

در علم اصول فقه، سیره عملی مسلمانان از ادله شرعی به شمار می‌رود؛ به این معنا که هرگاه از نظر تاریخی، ثابت و مسلم شود که مسلمانان متدین و علاقه‌مند به دین با حفظ جهات شرعی، اقدام به انجام عملی نموده، آن را به صورت معمول مرتکب می‌شوند، روش آن‌ها دلیل بر جواز عمل مزبور است.

از مطالعه اجمالی تاریخ تفسیر قرآن و بررسی چگونگی سیره علوم قرآنی در طول تاریخ استفاده می‌شود که دانشمندان اسلامی از عاقله و خاصه، از ترجمه قرآن کریم برای تفهیم آیات الهی استفاده می‌کرده‌اند.

۴. محاسبه امت‌ها پس از

استماع قرآن کریم

قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا كَانَ رُبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا» (قصص: ۵۹)؛ پروردگار تو اهل هیچ دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آن‌ها تلاوت کند، هرگز نابود نمی‌کند.

ارشاد و هدایت و ابلاغ دین الهی بدون دانستن زبان میسر نیست. اگر قرآن مجید ترجمه نشود، از چه طریقی می‌توان سخن خدا را به مردم رساند؟ آیا قرآن بدون ترجمه، که هیچ محتوای آن را نمی‌فهمند، به آن‌ها بدیهی یا آن‌ها را ملزم به عمل به قرآن کنیم

در حالی که از محتوای آن بی‌خبرند؟ در این صورت حجت بر این گونه مردم تمام نشده، انذار نمی‌شوند و بهانه از آن‌ها گرفته نمی‌شود.

۵. عدم ترجمه قرآن کریم؛

تکلیفی مالایطاق

دلیل دیگر بر لزوم ترجمه قرآن کریم این است که ارتباط غیر عرب‌ها با اسلام به دو صورت قابل تصور است:

۱. آن‌ها را غیر مکلف و غیر مسؤول بدانیم که این موجب تمطیلی تکالیف اسلامی خواهد

از مطالعه اجمالی

تاریخ تفسیر قرآن و

بررسی

چگونگی سیره علوم قرآنی

در طول تاریخ استفاده

می‌شود

که دانشمندان اسلامی از

عاقله و خاصه، از ترجمه

قرآن کریم برای تفهیم

آیات الهی

استفاده می‌کرده‌اند.

شد.

۲. آن‌ها را مکلف و مسؤول بدانیم. در این صورت، ارشاد و آگاهی آن‌ها و نورانی ساختن قلبشان به نور ایمان لازم است و وظیفه مسلمانان آگاه و اندیشمندان اسلامی است که به سراغ جاهلان رفته، آن‌ها را بیدار کنند. این در صورتی ممکن است که مردم به زبان خودشان انذار شوند. در غیر این صورت، در معرض دعوت الهی قرار نمی‌گیرند و احساس تکلیف نمی‌کنند و این مهم در پرتو ترجمه ممکن است.

۶. عدم تصریح به وجوب

فراگیری زبان عربی از سوی

شارع

در هیچ جای قرآن و روایات معتبره، مطلبی دال بر وجوب تعلیم زبان عربی نیست؛ دعوت عام است و قرآن روی گروه خاصی نظر نداشته است تا زبان آن‌ها را به رسمیت بشناسد. همه مردم دعوت به اسلام شده‌اند؛ چنان‌که در آیه کریمه می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه و سخن حق، که بین ما و شما یکسان است، پیروی کنیم و آن این‌که جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.

نظریه اولین همایش تحقیقات

علوم و مفاهیم قرآن در القرآن

الکریم

در این‌جا، بخشی از بیانیه پایانی کنفرانس تحقیقات علوم و مفاهیم قرآن که در ۲۷ رجب ۱۴۰۹ در قم برگزار گردید، ذکر می‌گردد:

الف. با توجه به فصاحت بی‌نظیر قرآن، این کمیسیون معترف است به این‌که هر آیه‌ای از قرآن مجید ایشاری عظیم و پر قدرت از زیباترین و گویاترین کلمات است که اعجاب و تحسین و اشتیاق را برمی‌انگیزد و حاوی بسیاری مطالب است که در ترجمه آن به فارسی یا هر زبان دیگر، مترجم فقط می‌تواند جمله‌های دراز و خسته‌کننده به کاربرد، از همین جهت، شرح و بسط فراوان در ترجمه ضرورت پیدا می‌کند (ضرورت تفسیر) اما همگان یا برای خواندن تفسیر قرآن فرصت ندارند و یا ترجمه تحت‌اللفظی را درک نمی‌کنند بنابراین، ترجمه آیات قرآن به کیفیتی که خلاصه‌ای از تفسیر هر آیه و مراد ظاهری آن درج و بیان شود - البته به صورتی که برای قرائت‌کننده فارسی زبان مفهوم و مفید باشد و ضمناً به عظمت و قداست آن لطمه‌ای وارد نیاید - امکان‌پذیر می‌باشد، اگرچه مشروعیت ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر از طرف برخی دانشمندان شیعه و سنی مورد اشکال قرار گرفته و یا دست کم غیر جایز شمرده شده است. ولی نظر کمیسیون ترجمه قرآن بر این است که چنان‌که ارزش کلمات قرآنی شناخته شده و هر آیه چنان ترجمه شود که گویی مترجم به حقیقت آن‌ها سوگند خورده و

همچنین دیگر شرایط لازم در ترجمه رعایت گردد تا از بروز اشکال مصون باشد، مشروعیت ترجمه قرآن محرز است و مورد ایراد اشکال کنندگان نخواهد بود.

ب. ترجمه قرآن به زبان‌های رایج دنیا امروز برای جهان اسلام ضرورت دارد؛ چرا که در این صورت؛ اولاً، محققین و اسلام‌شناسان و عامه مسلمانان غیر عرب زبان از بهره‌مندی قرآن مجید محروم نمی‌مانند ثانیاً، ترجمه قرآن به زبان دیگری جز عربی محور تبلیغ برای جلب افکار عمومی نسبت به اسلام و قرآن در حوزه زبان خواهد بود.^(۲۱)

فتوای صاحب المنار در ممنوعیت ترجمه قرآن^(۲۲)

در ذیل، ترجمه متن نامه احمد افسندی خطاب به رشیدرضا ذکر گردیده، سپس با ذکر هر یک از ادله ذکر شده در ممنوعیت ترجمه قرآن از سوی مؤلف المنار، به صورت جداگانه هر یک از آنها نقد و بررسی شده‌اند:

مثنی المنار: این نامه در ۲۹ ربیع‌الآخر سال ۱۳۲۶ از سوی شیخ احسن احمد افسندی از روسیه خطاب به رشیدرضا نگاشته شده است: «همانا ترجمه قرآن از مسائل مهم مسلمانان است. همه مباحثی که درباره ترجمه قرآن مطرح گردیده به دلایلی، به نتیجه منتهی شده است. این دلایل عبارتند از:

۱. ترجمه کامل قرآن به دلیل اعجاز آن، از نظر بلاغت ممکن نیست.

۲. کلمات فراوانی در قرآن هست که مقابلی در لغت ترجمه شده ندارد، مترجم مجبور است چیزی را که دلالت بر ترجمه دارد با تفسیری بیاورد، هنگامی که این ترجمه مجدداً به لغت دیگری منتقل می‌شود، در آن تغییراتی ایجاد می‌شود و همچنان پیش می‌رود، بدین‌سان، خوف گشوده شدن راه تحریف و تغییر در قرآن خواهد بود.

۳. کلمات کتاب آسمانی ما، قرآن، حاوی بعضی اشارات و احکام از طریق حساب است که با ترجمه، این طریق مسدود می‌شود، برای مثال، سعدی حلبی در حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی، هنگام تفسیر سوره «فاتحه» می‌نویسد: اگر حروف تکراری اولین سوره قرآن - یعنی «فاتحه» - و حروف تکراری از آخرین سوره قرآن - یعنی «ناس» جمع‌آوری

شود ۲۳ حرف باقی می‌ماند که مطابق زمان نبوت حضرت محمد ﷺ است. اگر قرآن ترجمه شود، این فواید که از معجزات قرآن است، فوت می‌شود.

اما ادیبان ترک روسی ما اصرار بر ترجمه دارند و می‌گویند: قول به عدم جواز ترجمه قرآن معنی ندارد. از این‌رو، ترجمه را واجب می‌دانند و در حال حاضر، در شهر «قرآن» قرآن ترجمه می‌شود، همچنین زین‌العابدین حاجی با کویبی از قفقاز قرآن را به زبان ترکی ترجمه نموده است. از محضر استاد تقاضا داریم در این مسأله تدبیر نمایند». احسن شاه احمد

پاسخ صاحب المنار

یکی از کوتاهی‌ها و تقصیرات مسلمانان در نشر دین و آیینشان این است که مفاهیم قرآن کریم را برای اهل هر لغت و زبانی به لغت خودشان - هر چند با تفسیر بعضی از آن - بیان نموده‌اند تا کسانی که اهل قرآن نیستند به سوی آن فرا خوانده شوند و افرادی که احتیاج دارند در حد نیاز از آن بهره‌گیرند. از عوامل تزلزل مسلمانان در دینشان این است که به فرقه‌های گوناگونی متفرق شدند که رابطه‌ای بین آن‌ها با یکدیگر در لغت یا قانون نیست این در حالی است که قرآن نازل بر آخرین سفیر الهی، معجزه در بلاغت، هدایت و شیوه را فراموش کردند.

این تزلزل ناشی از تهاجم سیاسی اروپا علیه مسلمانان بوده است. تفرقه و جدایی به گروه‌های مختلف را برای ما زیست دادند، در حالی که هر گروهی گمان می‌کرد حیاتش در همین است. این در واقع، مرگ دسته‌جمعی بود. بیش از این مسأله را طول نمی‌دهیم. اما در این‌جا برخی مفاسد ترک قرآن نازل شده «بلسان عربی مبین» از سوی مسلمانان را ذکر می‌کنیم؛ قرآنی که با وجود آن، نیاز به ترجمه اعجمی نیست، بلکه تفسیر به لغت هر قومی با حفظ نص متواتر خالی از تحریف و تبدیل قرآن کافی است.

اکنون با اختصار می‌گوییم:

دلایل المنار در ممنوعیت

ترجمه قرآن و نقد آن‌ها

دلایل اول: «ترجمه حرفی قرآن مطابق اصل - چنان‌که از مباحث آینده روشن می‌شود -

غیرممکن است، اما ترجمه معنوی، که همان فهم مترجم از قرآن می‌باشد ترجمه قرآن نیست، بلکه فهم فردی از قرآن است که گاهی خطا و گاهی صواب است. بدین‌سان، ترجمه مورد انکار ما نخواهد بود.»

نقد و بررسی: ترجمه حرفی قرآن با انعکاس همه بلاغت و فصاحت و دقایق به کار رفته در آن غیرممکن است و کسی ادعا ندارد که می‌تواند چنین ترجمه‌ای ارائه کند. اما مترجم فهم فردی خود را مطرح نمی‌کند، بلکه با رعایت شروط، در کنار متن اصلی، به زبان دیگری برگردان می‌نماید. اگر ترجمه‌ای در بردارنده نظریات شخصی فرد باشد، ترجمه نیست. اما:

اولاً، خداوند متعال برای هر کس به اندازه توانش تکلیف مقدر نموده است و با توجه به این‌که فراگیری زبان عربی واجب نشده، کسانی که توان فراگیری زبان عربی را ندارند برای اخذ دستورات دینی مجبور به مراجعه ترجمه هستند.

ثانیاً، آیاتی که به بیان عمومیت دعوت پیامبر ﷺ می‌پردازد این ضرورت را بدیهی می‌نماید که به هر شکل ممکن باید تمامی مردم به همه زبان‌ها انذار شوند و یکی از آن شکل‌ها ترجمه است.

ثالثاً، در طول تاریخ، مردم از ترجمه قرآن به عنوان یکی از ابزارهای فهم قرآن بهره گرفته‌اند.

رابعاً، ترجمه تام و کامل قرآن از لحاظ لفظ و معنا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا دارای فصاحت و بلاغتی است که بعدی از اعجاز قرآن می‌باشد که قرآن خود از آن خبر داده است.^(۲۳) بنابراین، چیزی نمی‌تواند مانع ترجمه و شرح قرآن به زبان دیگری باشد، بلکه باید کوشید ابعاد اعجاز قرآن را برای مسلمانان غیر عرب زبان با توضیح بیش‌تری آشکار کرد و این در کنار متن اصلی هرگز جایگزین آن نیست و فهم مترجم به معنای رأی شخصی او نمی‌باشد.

دلایل دوم: «قرآن اساس دین اسلام، بلکه همه دین است و سنت دین نیست جز از حیث تبیین و شرح قرآن بر این اساس، کسانی که ترجمه قرآن را ملاک قرار می‌دهند دینشان آن چیزی است که مترجم از قرآن فهمیده، نه خود قرآنی که از سوی خداوند بر رسولش نازل شده

است. اجتهاد با قیاس، فرع نص است و در مورد ترجمه نصی از شارع نرسیده. اجماع علما نیز باید مستندی داشته باشد. در نتیجه، کسانی که ترجمه قرآن را قرآن قرار می‌دهند چیزی از اصول اسلام را باقی نمی‌گذارند» (۲۴)

نقد و بررسی: در پاسخ این دلیل، باید گفت: در سخن مزبور، ارتباطی بین مقدم و تالی نیست. ۴ مطلب در این استدلال آمده است:

۱. قرآن اساس دین اسلام و سنت شارح آن است.
۲. ترجمه قرآن را دین قراردادن یعنی اتخاذ دین از فهم مترجم.
۳. نصی از شارع برای جواز ترجمه نیامده است.
۴. ترجمه قرآن را قرآن قراردادن از بین بردن اسلام است.

قسمت اول قابل قبول است و هیچ تردیدی در آن نمی‌باشد بخشی از آیات قرآن و روایات فراوانی از اهل بیت علیهم‌السلام قرآن را اساس و قوام دین معرفی کرده است: مانند:

«و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹)؛ این کتاب را بر تو فرستادیم که بیان هر چیزی است.

«ما کان حدیثاً یفتیروا و لکن تصدیق الّذی بین یدیه و تفصیل کلّ شیء» (یوسف: ۱۱۱)؛ این کتاب افترا نیست، بلکه تصدیق آنچه پیش توست و بیان هر چیزی است.

«النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «هو کتابُ تفصیل و بیان و تحصیل» (۲۵) قرآن کتاب تفصیل، تبیین و تحصیل حقایق است.

«الصادق علیه‌السلام: «لین الله أنزل فی القرآن تبیان کلّ شیء حیّ والیه ما ترک شیئاً محتاج العباد الیه الا بینه للناس» (۲۶) خداوند متعال در قرآن هر چیزی را بیانی کرده است، حتی سوگند به خدا، آنچه را بندگان به آن نیاز داشته‌اند از ذکرش خودداری نکرده است.

«الباقر علیه‌السلام: «لین الله لم یدع شیئاً محتاج الیه الا لئله الی یوم القیامه الا أنزله فی کتابه و ینته لرسوله» (۲۷) خداوند آنچه را مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند در کتابش نازل نموده و بر رسولش بیان کرده است.

بدین سان قرآن آنچنان‌که از توصیف خودش استفاده می‌شود، کتاب نور، هدایت، رحمت، حکمت، تبیان و تفصیل، شفا، جلا و تأمل و تدبیر است و سنت در کنار آن و شارح آن

می‌باشد و اصولاً وجه حجیت سنت، قرآن مجید است. اما چند مطلب دیگر نیز در استدلال آمده است که صحیح به نظر نمی‌رسد از جمله آن‌که ترجمه قرآن را دین قراردادن - یعنی فهم مترجم را پیروی کردن - سخنی بسیار سست است. مترجم طریقی است برای رساندن پیام وحی و از خود چیزی ندارد. ترجمه با رعایت شروط و ضوابطش انتقال کلام مبدأ به زبان دیگری است. دعوت اسلام جهانی بوده و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای ارشاد تمام ملل مبعوث شده‌اند؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «و ما أرسلناک الا کافّة للناس» (سبأ: ۲۷)؛ تو را نفرستادیم، مگر به سوی همه مردم. پیام خدا در قالب قرآن جلوه‌گر است و ناگزیر مردم جهان باید محتوای قرآن را بفهمند و برای این کار،

نزادی که باشند، در هر زمان و مکانی که زندگی کنند، با هر زبانی که سخن بگویند و این مهم در پرتو ترجمه قرآن ممکن می‌شود و در این زمینه، مترجم نقش واسطه را در انتقال دارد.

«وظیفه مترجم تلاش برای فهم صحیح موضوع و متن، فهم سبک اثر، بازسازی و بازآفرینی صحیح و روشن متن و دوری از حذف و اضافة و تصرف در معنا و تلخیص است.» (۲۹)

نتیجه آن‌که این اشکال در صورتی وارد است که منظور از ترجمه قرآن ترجمه مستثنی از متن اصلی باشد، در حالی‌که:

اولاً، وقتی گفته می‌شود «قرآن ترجمه‌پذیر است، این بدان معنا نیست که ترجمه آن حتماً باید بدون همراه داشتن متن اصلی باشد، بلکه

ترجمه قرآن پل ارتباطی است برای درک حقایق قرآن و تدبیر در آن، و بین تقلید مذموم و استفاده از ترجمه فرسنگ‌ها راه فاصله است. مترجم از خود چیزی ندارد، قرآن را برگردان نموده است و متن اصلی در کنار ترجمه محفوظ است.

یکی از شروط ترجمه صحیح قرآن این است که ترجمه همراه با متن اصلی باشد و زمانی‌که ترجمه و متن اصلی در کنار یکدیگر آورده شوند، هیچ کس به این فکر نمی‌افتد که ترجمه قرآن، قرآن است تا از متن اصلی بی‌نیاز باشد.

ثانیاً، در بحث ترجمه‌پذیری قرآن، علاوه بر این‌که ادعا نشده که ترجمه قرآن، قرآن است، بلکه با دلایل و مدارک مستند اثبات گردیده که ترجمه قرآن، قرآن نیست و در نتیجه، نصی از سوی شارع به حساب نمی‌آید تا مسائل و احکام شرعی از آن استنباط گردد. اجماع علمای مذاهب اسلامی این مطلب را تأیید می‌کند.

مرحوم شیخ ابوجعفر طوسی، از فقهای مشهور شیعه در قرن پنجم، در پاسخ این سؤال که آیا وقتی قرآن به زبان فارسی خوانده می‌شود قرآن است یا خیر، به آیه «انّه لتنزیل من ربّ العالمین نزلّ به الروح الامین علی قلبک لتکون

چاره‌ای جز ترجمه قرآن نیست.

اموختن زبان عربی برای همه مردم جهان کار ساده و آسانی نبوده و نیست. علاوه بر این‌که آموختن زبان عربی نمی‌تواند هدف اسلام را تشکیل دهد، بلکه فهم قرآن و اجرای قوانین آن مورد نظر شارع مقدس اسلام است. آیا ترجمه قرآن جز شرح و تبیین لغات و واژه‌ها و تعابیر آن چیز دیگری است؟ آیا این شرح و گزارش در امر تفسیر قرآن - اگر چه با هر لغت و زبانی باشد - با کلام غیرالهی صورت نمی‌گیرد؟» (۲۸)

قرآن مجید می‌فرماید: «کتاب أنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور» (ابراهیم: ۱)؛ قرآن کتابی است که ما بر تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از تاریکی‌ها بیرون آورده، به سوی نور ببری.

هدف از نزول قرآن فراهم آوردن زمینه هدایت برای همه مردم است، از هر قوم و

من المنذرین بلسان عربی مبین» (شعرا: ۱۹۵) استناد نموده، می‌فرماید: «به نظر ما، ترجمه فارسی قرآن، قرآن نیست؛ زیرا در این آیه شریفه، به صراحت بیان می‌نماید که قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است و هر کس بگوید قرآنی که به زبان دیگر غیر از عربی خوانده می‌شود قرآن است، باید این آیه را ترک نماید» (۳۰) به همین دلیل، بیش تر فقها به جواز ترجمه قرآن فتوی داده‌اند.

در پایان، برای روشن شدن این نکته که ترجمه قرآن، قرآن نیست، دلایلی ذکر می‌شود؛ دلایلی که می‌رساند ترجمه، قرآن نیست:

۱. قرآن کریم، معجزه جاویدان رسول خدا ﷺ به مجموع لفظ و معنا گفته می‌شود؛ یعنی وقتی که جبرئیل مأمور نزول قرآن بر پیامبر شد، لفظ قرآن را بر آن حضرت خواند، نه معنای تنهایی آن را؛ چنان که می‌فرماید: «لا تُحرِّک به لسانک لتعجل به إِنْ عَلینَا جمَعَهُ و قرانه فإذا قرأناه فاتبع قرانه ثمَّ إِنْ عَلینَا بیانَه» (قیامت: ۱۶-۱۹)

زرقانی در تعریف «قرآن» می‌نویسد: «دانشمندان اتفاق نظر دارند که قرآن مجموع لفظ و معناست و هر کس با آن مخالفت ورزد، با اساس دین مخالفت کرده است. معنی به تنهایی قرآن نیست؛ زیرا تحدی، هم به لفظ شده است و هم به معنا، و چون خداوند مشرکان را به تحدی فراخواند، از آنان خواست که ده سوره مانند آن به هم بافته، بیاورند و روشن است که مقصود تحدی به لفظ بوده است. بنابراین، قرآن با لفظ و معنایش عربی است و نمی‌توان نوشتار برخی از معانی آن را به زبان غیر عربی قرآن شمرده» (۳۱)

بنابراین، قرآن همان نظم عربی معجزی است که خداوند متعال بر قلب مبارک پیامبر ﷺ نازل نمود و حفظ و حراست آن را برعهده گرفت و مؤمنان را به تلاوت آن در لیل و نهار متعدّد گردانید. از این رو، ترجمه قرآن صرفاً برگردان معانی آن، آن هم به طور نسبی است و به هیچ عنوان، نمی‌توان آن را «قرآن» نامید.

۲. مراجع و فقهای اسلامی به جواز مس ترجمه قرآن فتوا داده‌اند، در حالی که اگر ترجمه قرآن کریم، قرآن بود حکم عدم مس بدون طهارت درباره آن جاری بود. در مسأله ۳۲۳ رساله‌ها آمده است: «مس نمودن خط قرآن

(یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن) برای کسی که وضو ندارد حرام است و احتیاط واجب آن است که موی خود را هم به خط قرآن نرساند، ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا زبان دیگر ترجمه کنند، مس آن اشکال ندارد» (۳۲)

۳. اجماع علما و فقهای شیعه و اکثریت اهل سنت بر این است که قرائت ترجمه سوره «فاتحه» (بخشی از قرآن) در نماز جایز نیست، حتی برای کسانی که قادر به قرائت صحیح نیستند، مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: «کسی که سوره فاتحه را می‌داند، جایز نیست غیر از آن را در نماز بخواند و اگر نمی‌داند واجب است که یاد بگیرد و اگر وقت ضیق است و چیزی از قرآن غیر از سوره فاتحه می‌داند، آن را بخواند و اگر نمی‌داند ذکر خدا و تکبیر بگوید و به طور کلی، معنای قرآن به هیچ زبانی نباید خوانده شود و هر کس بخواند، قرآن نیست و نمازش باطل است» (۳۳)

امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «واجب است قرائت نمازگزار صحیح باشد و اگر عامداً به وسیله حروف و یا حرکت و یا تشدید و آنچه مانند آن است، خللی وارد سازد، نمازش باطل است» (۳۴)

مذهب فقهای اهل سنت نیز در این زمینه همین است. بنابراین، ترجمه قرآن، قرآن نیست و ما معتقد به تلاوت آن نیستیم، اما این ربطی به جواز ترجمه قرآن ندارد.

دلیل سوم: «قرآن مجید تقلید در دین را منع و مقلدین را مذمت کرده است. بنابراین، اخذ دین از ترجمه قرآن تقلید مترجم آن است و این همان خروج از هدایت قرآن است، نه تبعیت از آن.»

نقد و بررسی: قسمت اول استدلال صحیح است، اما نه به صورت مطلق، تقلید در اصول دین صحیح نیست، اما تقلید در فروع، نه تنها ناپسند نیست، بلکه شایسته و لازم است. قرآن کریم در آیات متعددی، تقلید در اصول عقاید را تقبیح، تحریم و به شدت محکوم نموده و با صراحت اعلام کرده است که تا وقتی برای انسان در مورد نظریه و عقیده‌ای آگاهی و شناخت قطعی حاصل نشده، حق ندارد از آن پیروی کند: «و لا تقف ما لیس لک به علم» (اسراء: ۳۶)؛ هرگز از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن.

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز پیروی بدون

آگاهی از شخصیت‌ها را منع کرده‌اند: امام کاظم علیه السلام به یکی از اصحاب خود به نام فضل بن یونس می‌فرماید: «بلغ خیراً و قل خیراً و لا تکن ائمه»؛ خیر برسان و خیر بگو و ائمه مباش.

فضل بن یونس می‌گوید: پرسیدم: «ائمه چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «لا تقل أنا مع الناس و انا کواحد من الناس»؛ (۳۵) مگو من با مردم و من مانند یکی از مردم.

ورود در دین از روی شخصیت‌پرستی و تقلید کورکورانه مذموم و منتهی‌عنه است. شناخت دین و دریافت آن باید از روی آگاهی باشد.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «مَنْ دَخَلَ هَذَا الدِّينَ بِالزَّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الزَّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ وَ مِنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَ الشُّعْبَةِ زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ» (۳۶) کسی که با تقلید از شخصیت‌ها وارد این دین شود، با تقلید از شخصیت‌ها نیز از آن خارج می‌شود و کسی که با کتاب و سنت بدان گرایش یابد کوه‌ها از جای خود برکنده می‌شوند پیش از آن که عقیده او از او جدا گردد.

از این دو روایت چند نکته استفاده می‌شود:

۱. تقلید عقاید دینی از شخصیت‌ها، مذموم و محکوم است و انسان عاقل باید اعتقادات خود را از راه تحقیق و براساس تشخیص تحصیل کند.

۲. کسانی که بر این اساس دین خود را بنیان می‌نهند، اگر روزی شخصیت موردنظر تغییر عقیده داد، تغییر عقیده می‌دهند.

۳. افرادی که براساس رهنمودهای قرآن و حدیث، عقاید اسلامی را بپذیرند اعتقادات مذهبی در آن‌ها بسیار قوی است و زایل نمی‌گردد.

بدین سان، تقلید از شخصیت‌ها در عقاید دینی مذموم است. اما اخذ ترجمه قرآن از مترجم ربطی به این موضوع ندارد. ترجمه قرآن پل ارتباطی است برای درک حقایق قرآن و تدبیر در آن، و بین تقلید مذموم و استفاده از ترجمه فرسنگ‌ها راه فاصله است. مترجم از خود چیزی ندارد، قرآن را برگردان نموده است و متن اصلی در کنار ترجمه محفوظ است.

اما این‌که گفته شده اخذ ترجمه خروج از هدایت قرآنی است، باید گفته رسیدن به



هدایت قرآن و حیات طیبه با درک معارف اسلامی و ایمان و عمل به قرآن میسر است، نه به صرف قرائت قرآن، چنان‌که می‌فرماید: «من عملی صالحاً من ذکراً أو انثی و هو مؤمنٌ فلنحییئهُ حیاةً طیبةً و لنجزیئهم باحسن ما کانوا یعملون.» (نحل: ۹۷)

دلیل چهارم: «لازمه جواز ترجمه قرآن محرومیت افرادی است که به ترجمه اکتفا می‌کنند از توصیف الهی نسبت به مؤمنان، آن‌جا که می‌فرماید: «قُلْ هذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۱۲)؛ بگو: راه من و پیروانم این است که با بصیرت و روشنی به سوی خدا دعوت می‌کنم. آیات دیگر از جمله ویژگی‌های مسلمان را به کارگیری عقل و فهم در آنچه خدا نازل نموده است، می‌شمارند؛ چنان‌که می‌فرماید: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» (اعراف: ۳)

آنچه از سوی خدا نازل شده قرآن عربی است. پس پیروی ترجمه مخالف با دین و امر و نهی خداوند است.

نقد و بررسی: این دلیل پیش از آن‌که مؤیدی بر عدم جواز ترجمه باشد، دلیلی بر ضرورت ترجمه قرآن کریم است. آیات بسیاری از قرآن کریم بشر را به تفکر و تأمل دعوت نموده، اما به کارگیری عقل و فهم به صرف قرائت قرآن نیست، بلکه به درک و عمل به آن است. اگر افرادی که زبان عربی نمی‌دانند صرفاً قرآن را قرائت نمایند و از ترجمه محروم باشند، چگونه بصیرت و آگاهی پیدا کنند؟

اما در خصوص آیه ۳ سوره اعراف باید گفت: این آیه نیز تأکیدی بر ضرورت ترجمه قرآن است. اکنون برای روشن شدن مسأله، اقوال برخی مفسران در تفسیر این آیه ذکر می‌شود.

طبری می‌گوید: «خداوند - جل ثنائه - به پیامبرش می‌گوید ای محمد، به مشرکان از قومته که بت‌ها را عبادت می‌کنند، بگو: ای مردم آنچه را از بیّنات و هدایت از سوی خدا آمده است، پیروی کنید و آنچه را خداوند متعال به شما دستور داده است، پیروی کنید و چیزی غیر از او را عبادت نکنید یعنی چیزی غیر از آنچه خداوند بر شما نازل کرده که آن پیروی از اولیایان است که شما را به شرکت خدا دعوت می‌کنند» (۳۷)

شیخ طوسی می‌فرماید: «اتَّبِعُوا» خطاب است از خدای سبحان به مکلفان به این‌که از آنچه از قرآن به سوی آن‌ها نازل شده است، پیروی نمایند. ممکن است منظور این باشد که ای محمد، شما به آن‌ها بگو: از آنچه به سوی شما آمده است، پیروی کنید.

«لَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» نهی است از این که غیر از خدا را تبعیت ننمایید و ولی خویش نگیرید» (۳۸)

زمخشری گوید: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم» یعنی از قرآن و سنت و «لَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ» یعنی از شیاطین جن و انس دوستی نگیرید، چون آن‌ها شما را به سوی عبادت بت‌ها و هواهای نفسانی کشیده، از دین خدا و آنچه به سوی شما نازل شده است، دور می‌کنند» (۳۹)

قرطبی می‌گوید: «در این آیه دو مسأله است: ۱. «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ» یعنی کتاب و سنت و ظاهر آیه این است که امر به تمامی انسان‌هاست؛ یعنی از اسلام و قرآن پیروی نمایید و حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمارید و به اوامرش امتثال و از نهی‌ها پرهیز کنید. ۲. «وَلَا تَتَّبِعُوا مَن دُونَهُ» یعنی غیر از او را عبادت نکنید» (۴۰)

نتیجه آن که هیچ آیه‌ای از قرآن و یا

روایت معتبری نرسیده است که دستور صریح به وجوب فراگیری زبان عربی برای کسانی بدهد که با زبان عربی آشنایی ندارند تا فراگیری زبان عربی واجب و در نتیجه، ترجمه قرآن ممنوع گردد.

علاوه بر این، کسانی که هنوز به اسلام نگرویده‌اند تکلیفشان چیست؟ ترجمه قرآن با رعایت شرایطش پیروی از سخن خداست: «و ما أَرْسَلْنَا مِن رَّبِّكَ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» (ابراهیم: ۴) با این تفاوت که چون پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست و دین او جهانی و جاودانی می‌باشد و این وظیفه بر عهده پیروان او گذاشته شده است که دین خدا را به جهانیان ابلاغ نمایند و چون همه آن‌ها با زبان عربی آشنایی ندارند، یکی از این طرق، بلکه طریق ضروری ترجمه قرآن به سایر زبان‌هاست.

دلیل پنجم: «علاوه بر محرومیت از این صفات عالی و بلند ممنوعیت اجتهاد و استنباط از عبارت مترجم لازم می‌آید؛ زیرا هیچ مسلمانی به جواز اجتهاد در آن قایل نیست.»

نقد و بررسی: این سخن درستی است که دقت و تفحص در آیات قرآنی احتیاج به مقدمات فراوانی دارد که گاهی تا پانزده علم برای آن شمرده‌اند و البته ترجمه نمی‌تواند

جایگزین متن اصلی باشد، اما اگر امر دایر باشد بین تطویل ترجمه و تفحص و هرگونه برداشت از قرآن یا تأویل و فهم از طریق ترجمه، مسلماً دومی رجحان دارد. به عبارت دیگر، این دلیل در صورتی درست است که به کسی که آشنا به لغت، بدیع، بیان و مانند آن است، بگوییم به ترجمه رجوع کن. اما بحث ما در مورد غیر عرب زبانان است که نمی‌توانند از عربی آیات بهره گیرند.

دلیل هشتم: کسی که لغت قرآن و آنچه را در فهم قرآن به آن احتیاج دارد می‌شناسد، مانند سنت نبوی و تاریخ نسل اول را که مقارن با ظهور اسلام بود در عمل به آنچه از قرآن فهمیده، مأجور است؛ اگرچه در فهم خود دچار خطا شود؛ زیرا تمام تلاش خود را در پذیرش هدایت قرآنی مینولد نموده است؛ چنانچه از برخورد رسول خدا ﷺ با اصحابشان در فهم کیفیت تیمم هنگامی که در درک و عمل به آن عذر آوردند و همچنین از برخورد پیامبر ﷺ با اصحاب خود در مورد نهی از نماز عصرگزاردن مگر در سرزمین «قریظه» این سخن استفاده می‌شود برای این مطلب شواهد دیگری نیز هست. بنابراین، گمان نمی‌کنیم که هیچ مسلمانی برای عبارت مترجم چنین ویژگی‌هایی قابل باشد.»

نقد و بررسی

این‌که تلاش در راه فهم متن قرآن دارای اجر و پاداش است، سخن درستی می‌باشد: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ.» (مجادله: ۱۱) اما کسانی که توانایی و یا فرصت یادگیری زبان عربی را به طور کامل ندارند، نباید از فیض درک غیرمستقیم محتوای قرآن دور بمانند. به عبارت دیگر، این دلیل می‌رساند افرادی که لغت قرآن را می‌شناسند مأجورند، اگرچه در فهم دچار خطا شوند؛ اما در مورد کسانی که لغت قرآن را نمی‌شناسند، ساکت است. افراد غیر عرب زبان باید از طریق ترجمه، قرآن را شناخته، بدان عمل کنند. قرآن مجید در آیات متعددی اهمیت تدبیر و تفحص را گوشزد کرده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ» (قمر: ۲۲)؛ همانا این قرآن را در فهم، برای تذکر آسان کردیم. آیا کسی هست که پندگیرد؟ در آیه دیگری می‌فرماید: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ»

مَنْ يَخَافُ وَعَيْدٌ» (ق: ۴۵)؛ پس با قرآن تذکر بده کسانی را که از عذاب می‌ترسند.

دلیل هفتم: «قرآن چشمه‌ای است برای هدایت به معارف الهی که تازگی و هدایت آن هرگز کهنه نخواهد شد و هر خواننده‌ای به قدر توان و استعدادش از این دریای بی‌کران بهره می‌گیرد. چه بسا برای متأخران چیزی از حکمت‌ها و اسرارش کشف شود که برای متقدمان نبوده است. این مزایا در ترجمه قرآن وجود ندارد؛ زیرا خواننده به فهم آن معنا که مترجم فهمیده مقید است. برای مثال، مترجم آیه «وَأَرْسَلْنَا الزَّيْحَ لِقَاحِ» (حجر: ۲۲) را مجاز بالاستعاره قرار می‌دهد. برخورد باد و ابر و نزول باران به دنبال آن مانند لقاح مرد و زن و تولد فرزند است، اگر فرض کنیم در لغت مترجم، لفظی جانشین «لِقَاحِ» عربی باشد، در حقیقت و مجاز خلط شده، خواننده به همین فهم اکتفا نموده، حقیقت عبارت - یعنی این را که بادها بالفعل لِقَاحِ هستند - نمی‌فهمد؛ زیرا باد ماده لقاح را از درخت نر به ماده منتقل می‌کند. در نتیجه، ترجمه ما را در این حد از فهم متوقف نموده و از ترقی مطلوب باز می‌دارد.»

نقد و بررسی: این شبیه نیز نمی‌تواند دلیلی بر ممنوعیت ترجمه باشد. در این‌که قرآن چشمه هدایت است و خواننده از قرائت آن به قدر توانش بهره می‌گیرد هیچ بحثی نیست، اما



ارشاد و هدایت و ابلاغ دین الهی بدون دانستن زبان میسر نیست. اگر قرآن مجید ترجمه نشود، از چه طریقی می‌توان سخن خدا را به مردم رساند؟



جواز ترجمه به معنای تطویل این کار نمی‌باشد. ترجمه در کنار متن اصلی است و هرگز جایگزین آن نمی‌شود. اما زبان‌ها نیز مانند موجودات زنده در حال تغییر و تحولند و باید برای هر نسلی در هر عصری ترجمه‌ای قابل فهم و مطابق با رشد زبانی آن مرز و بوم ارائه نمود تا به آسانی آن را بفهمند. مستشکل این نکته را فراموش کرده که روی سخن ما در جواز ترجمه با افراد غیرعرب زبان است که می‌خواهند سخن خدا را بفهمند. اما در آیات اسرار و حکمت‌هایی هست که آن‌ها را افراد آشنا با زبان عربی و لغت و سایر مقدمات درک نموده، مفسران برای افراد غیر عرب زبان و عادی توضیح می‌دهند.

خداوند متعال برای هر کس به اندازه توانش تکلیف مقدر نموده است: «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا آلَا وَسْمَهَا» (بقره: ۲۸۶) بنابراین، کسانی که قدرت فراگیری زبان عربی را ندارند اگر برای فهم قرآن از ترجمه استفاده نمایند، خداوند سبحان از آن‌ها می‌پذیرد. از سوی دیگر، آیاتی که به بیان عمومیت دعوت پیامبر می‌پردازد، این ضرورت را بدیهی می‌نماید که به هر شکل ممکن، باید تمامی مردم جهان در جریان تعالیم اسلام و قرآن قرار گیرند و این مهم در پرتو ترجمه امکان دارد.

از مثالی که در متن آمده، به خوبی روشن است که مقصود مستشکل چیست. مسلماً، دقایق لطایف و نکات ظریف تمایز عربی قرآن به صورت کامل، قابل انتقال به زبان دوم نیست، اما آیا این به معنای محرومیت افراد غیرعرب از فهم قرآن است. در همین آیه مربوط به لقاح، وقتی ترجمه کنار متن اصلی ذکر شود، خواننده هر دو را ملاحظه می‌کند و در حد توان خویش از آن بهره می‌گیرد.

دلیل هشتم و نهم: غزالی در کتاب *الجمام العوام عن علم الکلام* می‌گوید: «ترجمه آیات مربوط به صفات الهی جایز نیست.» استدلال ایشان بر این مطلب کاملاً روشن است. ایشان می‌گوید: خطا در این زمینه منجر به کفر می‌شود.

غزالی همچنین می‌گوید: برخی از الفاظ عربی معادل غیرعربی ندارند. مترجم در این الفاظ چه کند؟ اگر بر اساس فهم خود آن را شرح دهد، خواننده را در اعتقادی خاص قرار می‌دهد مادامی که قرآن آن را رد نکرده است. (۴۱)

نقد و بررسی: به طور کلی، معادل‌یابی کلمات قرآن کاری مشکل است و کلماتی که به عنوان ترجمه به کار می‌روند، نمی‌توانند بار معنایی لغات قرآنی را برسانند. از نظر زبان‌شناسی، این مطلب صحیحی است که لغات و واژه‌ها بار فرهنگی و اجتماعی خاصی در میان اهالی آن زبان دارند.

شهید مطهری رحمته‌الله درباره ترجمه کلمه «اللّه» در سوره حمد می‌فرمایند: «می‌توان گفت که در فارسی، لغتی مترادف کلمه «اللّه»، که بشود جای آن گذارد، نداریم و هیچ‌کدام رساننده تمام معنای «اللّه» نیستند؛ زیرا اگر به جای «اللّه»، خدا بگذاریم، رسا نخواهد بود؛ چون خدا مخفف «خودا» است و رساننده تعبیری است که فیلسوفان می‌نمایند؛ یعنی «واجب الوجود» (۴۲)

اما با وجود این، مترجم آگاه باید سعی و تلاش خود را به کار بندد تا حدی که امکان دارد، درست ترجمه نموده، تقریب به ذهن کند و در هنگام ضرورت، توضیح و شرحی را در پاورقی بیاورد. علاوه بر این، مترجم باید شروط ترجمه را، که یکی از آن‌ها آگاهی و وقوف کامل به هر دو زبان است، رعایت کند. (۴۳) در هر صورت، اندیشمندان با عمل خویش، این مطلب را ثابت نموده‌اند که ترجمه کاری لازم و غیرقابل انکار است.

دلیل دهم: «در زبان عربی الفاظی هست که معادل آن‌ها در زبان‌های دیگر هم وجود دارد ولی آن‌گونه که عادت عرب در به کار بردن استعارات است، عادات فارسی زبان‌ها نیست. هنگامی که مترجم لفظ فارسی را به صورت مطلق بیاورد، معنای حقیقی را می‌رساند، در صورتی که شاید مراد خداوند متعال معنای مجازی بوده است. این مقام محل لغزش قدم‌هاست، به ویژه اگر سخن از خدا و صفات و افعال او باشد.»

نقد و بررسی: هدف از ترجمه قرآن برگردان سبک قرآن و معنای آن به صورت کامل با حفظ اعجاز معنوی و لفظی نیست، به گونه‌ای که بتواند جانشین قرآن شود تا متخصصان برای استنباط احکام شرعی و مراد خدا به آن مراجعه نمایند و یا این‌که بتوان آن را جایگزین متن عربی قرآن کرد، بلکه ترجمه قرآن به منزله دست مصنوعی است برای کسی که دست طبیعی ندارد. روشن است که دست مصنوعی به هیچ



بدین سان قرآن آنچنان‌که از توصیف

خودش استفاده

می‌شود، کتاب نور،

هدایت، رحمت،

حکمت، تبیان

و تفصیل، شفا،

جلا، و تأمل

و تدبّر است



وجه خلأ فقدان دست طبیعی را پر نمی‌کند ترجمه برای کسانی است که با زبان عربی آشنایی ندارند و اگر قرآن هم به زبان آن‌ها ترجمه نشود، از تمام معارف قرآنی بی‌بهره خواهند بود.

قرآن معانی اولیه‌ای دارد که در میان تمام زبان‌ها مشترک است و حتی مخالفان ترجمه قرآن برگردان معانی اولیه را جایز دانسته‌اند. این قتیبه در کتاب *المعارف* می‌گوید: «ترجمه معانی بلاغی غیرممکن است، ولی ترجمه معانی اولیه اصلی خالی از اشکال است و می‌توان قرآن را این‌گونه برای عاقله مردم و کسانی که درک قوی برای به دست آوردن معانی آن را ندارند تفسیر و تبیین کرد و این به نظر همه مسلمانان جایز است و این اجماع حجت است.» (۴۴)

از سوی دیگر، ترجمه قرآن در کنار متن اصلی حافظ عظمت و بلندی الفاظ قرآن کریم است.

دلیل یازدهم: «بعضی الفاظ در عربی با یکدیگر مشترکنه ولی در لغت عجم چنین نیست. پس مترجم گاهی غیر مراد خدا را از معنای مشترک اختیار می‌کند و این محل اشکال است.»

نقد و بررسی: ترجمه شروطی دارد که یکی از آن‌ها آشنایی مترجم با لغت و علم صرف و

نحو و بدیع و بیان است. اگر مترجم آگاه و آشنا باشد در بین الفاظ مشترکه آن معنا را که بهتر به آیه می‌خورد ذکر می‌کند. این اشکال در مورد تفسیر هم هست. همچنین این دلیل اخض از مدعاست و تنها ترجمه در مورد الفاظ مشترک را رد می‌کند، در صورتی که مدعا اعم است.

دلیل دوازدهم: «نزد دانشمندان مسلم است که اگر دلیل قطعی قائم شود بر ممنوعیت ظاهر آیه‌ای از آیات قرآن، تاویل آن لازم است. تفاوت بین تاویل الفاظ قرآن و تاویل الفاظ ترجمه بر هر عاقلی روشن است، به ویژه در آیات متشابه و الفاظ مشترک.»

نقد و بررسی: در همین زمینه، آقای شاطر گفته است: «به تمامی مترجمان تحدی می‌شود که آیات ذیل را دقیقاً همان‌گونه که از وحی رسیده است، معنا کنند تا در برگزیده تمامی قواعد اجتماعی و احکام منطبق بر اصول دین و دور از عقول اجنبی باشد و دلالت‌های ثانویه تبعی را نیز در بگیرد: "و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی؟" سَجَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ؟ و لَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَجِ بِحَمْدِهِ و لَكِنْ تَفْهَمُونَ تَسِيحَهُمْ» (۴۵)

پاسخ این اشکال در ضمن شبهات گذشته توضیح داده شد. آنچه مسلم است آن‌که ترجمه جای قرآن را نمی‌گیرد و باید در کنار متن اصلی باشد، آن هم بارعایت شروطش. در این صورت، مترجم آگاه در ترجمه نیز تاویل را منعکس می‌کند یا در پاورقی توضیح می‌دهد.

دلیل سیزدهم: «نظم قرآن و شیوه آن تأثیر خاصی در شنونده دارد که با ترجمه منتقل نمی‌شود و خیر کثیری با ترجمه فوت می‌شود. قرآن افراد زیادی را جذب اسلام نموده است، حتی یکی از فلاسفه فرانسوی می‌گوید: «محمد قرآن را می‌خواند با حالی که شنونده را به ایمان جذب می‌کرد. تأثیر این قرائت بیش از معجزات سایر انبیا بود.» وقتی این تأثیر برای تلاوت قرآن، حتی در نفوس غیر معتقدان به قرآن هست، چگونه مسلمانان را با ترجمه قرآن از این فیض محروم کنیم.»

نقد و بررسی: در تأثیر تلاوت متن عربی قرآن، آن هم با صوت زیبا در نفوس مؤمنان و عموم مردم جای هیچ تردیدی نیست؛ چنان‌که می‌فرماید: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جِبِلٍّ لَأَرَيْنَاكَ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر: ۲۱) ذیل این آیه از عبدالله بن مسعود نقل



باشد. البته باید سعی کرد که هیچ‌گونه لغزشی در چاپ‌های قرآن و ترجمه آن‌ها به وجود نیاید. دلیل پانزدهم: «قرآن نشانه بزرگی بر نبوت رسول خدا ﷺ است، آن هم نشانه‌ای باقی. این بقا در صورتی محفوظ است که قرآن از تغییر و تبدیل و تحریف و تصحیف محفوظ بماند. اما ترجمه چنین نیست.»

تقد و بررسی: قایلان به جواز ترجمه همگی معتقدند که تحریف و تغییر آیات قرآن حرام بوده و تاکنون چنین چیزی واقع نشده است. این شبهه در صورتی وارد است که ترجمه مستفنی از متن اصلی باشد، در حالی که باید گفت: اولاً، وقتی گفته می‌شود قرآن ترجمه‌پذیر است به آن معنا نیست که ترجمه آن حتماً بدون همراه داشتن متن اصلی باشد، بلکه یکی از شروط ترجمه صحیح قرآن این است که ترجمه همراه با متن اصلی باشد و زمانی که ترجمه و متن اصلی در کنار یکدیگر آورده شوند، هیچ‌کس به این فکر نمی‌افتد که ترجمه قرآن، قرآن است تا از متن اصلی بی‌نیاز شده و در نتیجه، تحریف رخ دهد. ثانیاً کسانی که زبان عربی نمی‌دانند، ابتدا باید قرآن را به هر زبانی که برایشان امکان‌پذیر است مطالعه نمایند و اعتقاد حاصل کنند،

تاکنون محفوظ مانده و ادامه داشته است. به همین دلیل، یکی از شروط ترجمه، بودن در کنار متن اصلی است.

دلیل چهاردهم: «هنگامی که قرآن به زبان‌های ترکی و فارسی و هندی و چینی و مانند آن ترجمه می‌شود، بین این ترجمه‌ها اختلاف به وجود می‌آید؛ همان‌گونه که بین ترجمه کتب عهد عتیق و جدید مسیحیان اختلاف به وجود آمده است.»

تقد و بررسی: این که بین ترجمه‌ها اختلاف پدید می‌آید، یک فرض ذهنی است و ربط چندانی هم به بحث جواز و عدم جواز ترجمه قرآن ندارد؛ زیرا ترجمه قرآن مستلزم رعایت ضوابطی است که وقتی آن ضوابط در ترجمه رعایت شود، اختلافی به وجود نخواهد آمد. علاوه بر این، به فرض آن که در ترجمه‌ها اختلافاتی به وجود بیاید، وقتی همراه با متن اصلی باشند، هیچ لطمه‌ای وارد نمی‌سازند. اما تمثیل به کتاب‌های عهدین قیاس مع الفارق است، چون اختلاف آن کتاب‌ها از آن جاست که پس از چندین سال، از صورت روایات شفاهی به صورت مکتوب درآمدند. لغزش‌ها و اشتباهاتی که در ترجمه‌های قرآن به وجود آمده در حدی نیست که موجب جدایی و تفرقه

شده است که روزی جمعی از اصحاب رسول خدا که ملالت خاطر پیدا کرده بودند، عرض کردند: «یا رسول الله، چه می‌شد حدیثی برای ما بیان می‌کردید تا زنگار ملالت را از دل‌های ما ببرداید. در این جا آیه مزبور نازل شد» (۴۶).
اسماء نقل می‌کند که وقتی قرآن بر اصحاب رسول خدا خوانده می‌شد، چشمانشان پراز اشک می‌شد و بدن‌هایشان می‌لرزید. (۴۷)
نمونه‌های تاریخی فراوانی برای این تأثیر وجود دارد.

اما این مطلب هیچ خدشه‌ای بر ضرورت ترجمه قرآن وارد نمی‌آورد، بلکه تأییدی بر مدعای قایلان به ترجمه است؛ زیرا تمامی معتقدان به ترجمه بر این باورند که ترجمه قرآن ویژگی‌های قرآن را در بر ندارد و روحانیت و نورانیت خاص همان است که در متن قرآن وجود دارد. خضوع و خشوع و در نتیجه، نور هدایتی که در الفاظ قرآن وجود دارد، در هیچ متن دیگری حتی در ترجمه قرآن یافت نمی‌شود. تأثیر قرآن از همان آغاز روشن بوده است؛ همچنان که نخستین تأثیرش بر اعراب جاهلیت، که خود بلیغ‌ترین سخنان را به کار می‌بردند، چنان بود که زانوی عجز به زمین زده، ایمان می‌آوردند و این فصاحت و بلاغت ویژه

۴۴

سپس جنبه‌های اعجاز آن را دریافت کنند.

نتیجه

این‌ها ادله‌ای بود که از سوی رشیدرضا در ممنوعیت ترجمه ذکر شده است. اذله دیگری نیز از سوی مخالفان جواز ترجمه قرآن ارائه شده که از ذکر آن‌ها در این‌جا خودداری می‌شود.^(۴۸) در پایان و حسن ختام این قسمت از بحث، باید گفت: قرآن چنان است که خود می‌فرماید: «و ما أنزلنا علیک الكتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیہ وهدی ورحمة لقوم یؤمنون» (نحل: ۶۴)؛ ما این قرآن را بر تو نفرستادیم، مگر برای این‌که حقیقت را در آنچه مردم اختلاف می‌کنند روشن کنی و برای اهل ایمان، هدایت و رحمت باشی.

دست‌یابی جهانیان به این هدایت و رحمت الهی و تشکیل امت واحده بدون اختلاف امکان ندارد، مگر این‌که از هر قوم گروهی بیایند و با زبان انزال و وحی آشنا شوند به نظر می‌رسد.

اولاً، انگیزه فتوا به عدم جواز ترجمه از سر بعضی تعصبات بوده است؛ چرا که پیش‌تر مخالفان جواز ترجمه از علمای عرب زبان بوده‌اند که قومیت و تعصب عربیت در نظر آن‌ها بی‌تأثیر نبوده است.^(۴۹) به همین دلیل، فتوای تحریم فقط در میان بعضی از کشورهای عربی مشهور بوده و مسلمانان دیگر کشورها به ترجمه قرآن اقدام نموده‌اند.

دکتر علی شواخ می‌گوید: «بدین وسیله، برای ما روشن گردید که حرکت ضد ترجمه قرآن به سایر زبان‌ها منحصر به کشورها و سرزمین‌های عربی، به ویژه دولت عثمانی، بوده است.»^(۵۰)

ثانیاً، می‌توان گفت: این اندیشه از سوی کسانی صادر شده است که تفکر خود را از چهارچوب مرز کشورهای عربی بیرون نبرده‌اند. ثالثاً، استعمار در رسوخ این اندیشه بی‌تأثیر نبوده است تا به این وسیله، از گسترش اسلام در میان کشورهای غیرعربی جلوگیری شود. از این‌رو، خود آن‌ها به ترجمه قرآن پرداختند و برخی عرب زبان‌ها ساده‌لوحانه این مطلب را از آن‌ها گرفته، فتوا داده‌اند که انتقال اعجاز قرآن ممکن نیست. «اگر خوب دقت کنید، بی‌شک خواهیم برد که قول به منع ترجمه قرآن معاصر با فتوای مسیحیان غربی و

استعمار سرزمین‌ها به وسیله آن‌ها در جهت مسیحی نمودن مسلمانان بود؛ با تمام وسیله و امکانات تلاش نمودند و به فرستادن مبلغین مسیحی به عناوین مختلف اکتفا نمودند بلکه آموزش زبان عربی را، حتی در مستعمرات عربی مانند شمال آفریقا و دیگر نقاط، ممنوع ساختند نتیجه این‌که آن‌ها می‌خواستند محاصره اسلام را با منع ترجمه قرآن به زبان‌های بیگانه کامل گردانند.»^(۵۱)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدحسن آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۷۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق
- ۲- راغب اصفهانی، مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۱۹۵، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق
- ۳- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۴۶، انتشارات امیرکبیر، ج دوم، تهران، ۱۳۶۲
- ۴- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، «مشکل ترجمه قرآن»، ص ۱۲۶
- ۵- محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، ج ۱، ص ۴۸۲، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۲
- ۶- محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان عن تأویل ای القرآن، ج ۱، ص ۷۱، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ ق
- ۷- شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر
- ۸- ابن منظور، لسان العرب، ماده رجم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق
- ۹- نهج‌البلاغه
- ۱۰- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۸
- ۱۱- نهج‌البلاغه
- ۱۲- بهاءالدین خرمشاهی، «روایای ترجمه بی غلط قرآن»، بینات، ش ۳، ص ۶۷
- ۱۳- سلماسی‌زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۸۹، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹
- ۱۴- بینات، ش ۳، ص ۱۴۱
- ۱۵- محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان، مقدمه ترجمه
- ۱۶- احمد مصطفی مراغی، تفسیر المراغی و داراحیاء التراث العربی، ج ۱۳، ص ۱۲۶
- ۱۷- شیخ صدوق، خصال، باب «العشره»، ج ۲، ص ۴۲۲
- ۱۸- رشیدالدین میبیدی، کشف‌الاسرار وعده الابرار، ج ۵، ص ۲۲۴
- ۱۹- ابو‌عبدالله قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۹، ص ۳۰۴
- ۲۰- اسماعیل حقی، روح‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۶۱
- ۲۱- مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اولین

- کنفرانس تحقیقات علوم و مفاهیم قرآن، ص ۳۴
- ۲۲- رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۳۲۴
 - ۲۳- آیاتی مانند سوره اسراء: ۸۸ / سوره بقره: ۲۳
 - ۲۴- شیخ محمد سلیمان، حدث‌الاحداث فی الاقدام علی ترجمه القرآن، ص ۶۳، مصر، المطبعة السلفیه
 - ۲۵- محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲
 - ۲۶- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۸۱/ج ۹۲، ص ۸۴
 - ۲۸- محمدباقر حجتی، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، ص ۱۱
 - ۲۹- فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ص ۲۵۳، ج ۴
 - ۳۰- شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۳۴۴
 - ۳۱- محمد ابوزهره، المعجزه الکبری، ص ۵۸۳
 - ۳۲- مسأله ۳۲۳ توضیح المسائل مراجع
 - ۳۳- الخلاف، ج ۱، ص ۳۴۳
 - ۳۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۹۷
 - ۳۵- محمد مهدی ری شهری، میزان الحکمه، حدیث ۲۰۶۰۴
 - ۳۶- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۵
 - ۳۷- جامع‌البیان عن تأویل القرآن، ج ۷ و ۸، ص ۱۱۷
 - ۳۸- التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۳
 - ۳۹- زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۸۶
 - ۴۰- الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، ص ۱۶۱
 - ۴۱- شبیه این دلیل در کتاب بحث فی ترجمه القرآن الکریم و احکامها، بیروت، دارالکتب الجدید، ص ۱۳ آمده است.
 - ۴۲- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۱۶، انتشارات صدرا
 - ۴۳- ر.ک: محمدحسن مصطفوی، روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن، ص ۵۷
 - ۴۴- به نقل از: محمود ابوزهره، المعجزه الکبری، ص ۵۸۸
 - ۴۵- القول السدید، ص ۳۶
 - ۴۶- تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۱۲۴
 - ۴۷- قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۵۶۹
 - ۴۸- برای بررسی بیش‌تر اذله، می‌توان به کتب مناهل العرفان، ج ۲، ص ۴۰ تألیف شاطبی؛ المعجزه الکبری، ص ۵۸۸، تألیف ابوزهره؛ بحث فی ترجمه القرآن و احکامها، ص ۱۴، تألیف مراغی؛ و دراسات فی القرآن الکریم، ص ۸۲، ۲، مراجعه نمود.
 - ۴۹- بحث فی ترجمه القرآن و احکامها، ص ۴۳
 - ۵۰- علی شواخ، معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۳